



*Shaere.ir*

«نپرس»

خسته ام از تو و از حال خرابی که نپرس

مانده ام در پس رویای بر آبی که نپرس

بعد از هر چه دویدن پی بیراهه ی عشق

تشنگی ماند و فریبای سرابی که نپرس

دل آسوده به ویرانگی افتاد و نبود

قسمتم جز ستم داغ عذابی که نپرس

پی جویندگی افتادم و یابنده نشد

رمقی نیست بجویی و نیابی که نپرس

خانه از بوی تو خالیست خدا می داند

خیره ام بر در و دیواری و قابی که نپرس

کامت از مزه ی تن پر شده آنقدر که نیست

در دلِ برزخ من ردِ ثوابی که نپرس

مست چشمم شده بودی و چه شد عاقبتم

ته نشین در نظر تنگ شرابی که نپرس

ستاره فرخنده نژاد